



«معلم سر کلاس به بچه‌ها می‌گوید اگر درس نخوانید، بدبخت می‌شوید و مجبورید کار کنید. او دارد به بچه‌ها الفا می‌کند که درس خواندن برای این است که کار نکنند و کار کردن مال حمال‌هاست. معلم به آن بچه‌ای که املایش را درست ننوشته می‌گوید باید شیشه‌های کلاس را پاک کنی. کار کردن جریمه است. اگر این ساختارهای غلط اصلاح نشود، مردم دچار تضاد می‌شوند.» عبارتی که خواندید تقد یک معلم به نظام آموزش کنونی است؛ نظامی که این روزها از سند تحول بنیادین برای ایجاد تغییرات عمده در آن سخن می‌گویند.

در میان تلاش‌ها برای تغییر و تحول بنیادین در نظام آموزشی، ممکن است سوال‌های فراوانی پیرامون چیستی و چرایی شکل‌گیری نظام آموزش فعلی مطرح شود، «راه طی‌شده» مورد بازبینی قرار گیرد و پرسیده شود آموزش‌وپرورش کنونی چگونه رشد و نمو یافته است.

نظام آموزش در ایران تا سده اخیر – که هم در قالب و فرم و هم در محتوا دچار تغییرات شگرفی شد – تقریباً مکانیزمی مشابه در طول دوران پس از اسلام داشت. مکتبخانه‌ها که به سبک و سیاق کلاس‌های درس صدر اسلام مدیریت می‌شدند، صرفاً با تغییرات سطحی توانسته بودند خود را در دوره‌ای تقریباً هزار ساله با همان قالب حفظ کنند. با همه انتقاده‌ها به نوع کلان آموزش، چهره‌های بزرگی چون بوعلی سینا، شیخ اشراق، مولوی، خیا، ابویحان، رازی و ملاصدرا و ده‌ها دانشمند فیلسوف برجسته از دل همین مکتبخانه‌ها می‌شدند.

شکل‌گیری نظامی‌ها توسط خواجه نظام‌الملک طوسی در دوره سلجوقی، اتفاقی متفاوت بود. نظامی‌ها به انضباط و تعلیمات مدون و برنامه‌ریزی‌شده شهرت داشتند. تا پیش از به وجود آمدن حوزه‌های علمیه تقریباً نظامی‌ها در بیشتر فنون شاگرد تربیت می‌کردند.

برای اولین‌بار پس از سرمدماری ۱۰۰۰ ساله مکتبخانه در کلان نظام آموزش، نزدیک به ۱۰۰ سال پیش بود که اولین مدارس با همین عنوان شکل گرفت. اگرچه پیش از این تاریخ، «دارالفنون» به‌عنوان اولین مدرسه نوین ایران توسط «میرکبیر» در ۱۲۳۱ خورشیدی، بنیانگذاری شد. نخستین معلمان این مدرسه، اروپایی و بیشتر اتریشی بودند. معلمان اتریشی، ۲۷ محرم سال ۱۲۶۸ هجری قمری ۲ روز پس از عزل امیرکبیر به تهران رسیدند. با وجود این امیرکبیر سفارش آنها را به «جان داوود خان» کرد و گفت چندان که می‌توانی به آنان مهربانی کن و نگذار ناراحت و پراکنده‌خاطر شوند. «ناصرالدین شاه» نیز از ورودشان باخبر و خوشحال شد و داوودخان را به اعطای حمایل سرخ سرتیپی مفتخر کرد.

در روزنامه وقایع اتفاقیه پیرامون تاسیس دارالفنون آمده است:

«روز یکشنبه پنجم ماه ربیع نخستین از سال ۱۲۶۸ هجری مطابق سنه خامسه از جلوس سعادت مانوس، مدرسه مبارکه دارالفنون، واقعه در ارک محروسه تهران که بنا و انشا از سال سابق شروع شده بود بر حسب امر فرمان مطاع افتتاح گردید و از آن تاریخ علوم مستظرف و فنون مستحدثت و صنایع مستغرب که حکمای اروپا اساس آنها را در ظرف چندین قرن برپا ساخته بودند، در این تاسیس با تقدیس انتشار همی گرفت و اشتهار همی پذیرفت.»

دروازهٔ ورودی دارالفنون

از مکتب ۱۰۰۰ساله تا مدرسه ۱۰۰ساله

تحول بنیادین برای نجات دانش آموز

- هادی قائم‌مقامی

دارالفنون شکل گرفت اما بی‌گمان با آنچه امیرکبیر برایش اندیشیده بود، زمین تا آسمان فرق می‌کرد. تا زمان تصویب قانون آموزش و تعلیم و تربیت عمومی، دارالفنون تنها شاخص شکل‌گیری مدارس ریز و درشت در اطراف و اکناف ایران بود. مدراسی که یک مدیر داشتند، یک ناظم و تعدادی معلم.

مقاومت مکتبخانه‌ها در مقابل شکل‌گیری مدارس امری طبیعی بود. معلمان مکتبخانه در آموزش شدد عمل نشان می‌دادند. در روایت تنبیهات مکتبخانه‌های قدیم در یکی از کتب تاریخ آموزش‌وپرورش آمده است: «در نوع فضای کلی محیط آموزشی، تنبیه بدنی با چوب و فلک که ترک‌ه بلند خیس را گاهی درون حوض آب وسط حیاط مکتبخانه نگاه می‌داشتند و زمانی که بچه‌ها درس نخوانده یا شیطنت کرده بودند، در مقابل دیگر بچه‌ها، شاگرد را تنبیه بدنی می‌کردند. اینگونه بود که هم‌زمان، این شعر را اهل کلاس زمزمه می‌کردند: «تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد گاو و خر».

تنبیه شاگردان ضعیف، از موارد بسیار مهم و جدی در فضای کلی مکتبخانه‌ها به شمار می‌رفت و به قدری مهم بود که بعضی از مکتبدارها، موقعی که والدین شاگرد برای آغاز تحصیل، فرزند خود را نزد آنها می‌بردند، اغلب این عبارت را بر زبان می‌آوردند که «استخوانش از تو و پوست و گوشتش از من!»

جالب اینجاست که مکتبدار تا وقتی از ولی بچه جدیدالورود، عبارت «صاحب اختیارید، بچه خودتان است» را نمی‌شنید، حاضر به پذیرش او نمی‌شد! اگر شاگردی بود که حتی یکبار هم تنبیه نشده بود، معلم مکتبخانه متعرض والدین شاگرد می‌شد و آن را نشانه دیوانه بودن شاگرد می‌دانست که چرا یکبار هم تنبیه نشده و مزه چوب را نخورده است».

این شدت عمل اگرچه پیشینه‌ای هزار ساله در نظام آموزش داشت اما به پایان عمر خود نزدیک می‌شد. این نوع مکتبداری، سبک‌های قدیمی آموزشی و شکل‌گیری برخی مدارس جدید موجب شده بود «مکتب» برای خانواده‌ها حتی پذیرفتنی نباشد. از ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۰ تعداد مدارس نوین که همان ساختار مدیر، ناظم و معلم را داشت افزایش یافت.

نخستین بار ۹ آبان‌ماه ۱۲۹۰ ه.ش، مجلس شورای ملی، قانون تعلیمات اجباری را به تصویب رساند و در سال ۱۲۹۴ ه.ش نظارت دولت در امر آموزش‌وپرورش به صورت یک اصل متمم در قانون اساسی وارد شد و از این تاریخ به بعد نظام تعلیم و تربیت در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفت و نظارت دولت بر مراکز آموزشی جنبه قانونی یافت. قانون نظام آموزشی کشور که تا مدت‌ها در مناطق محدود اجرا می‌شد، شامل کودکستان، دبستان، دبیرستان، موسسات عالی و دانشگاه بود. تقریباً همین قانون با تغییرات جزئی نزدیک به یکصد سال است اجرا می‌شود. در دوره پیش از انقلاب برخی تغییرات در سیستم آموزش تا پیش از دانشگاه اتفاق افتاد. از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تغییر دوره ۳ ساله آموزش متوسطه به ۶ سال، ایجاد دوره تعلیمات عمومی ۱۲ ساله، تقسیم دوره ۶ ساله آموزش متوسطه به دوره اول و دوم بر پایه دستورالعمل مصوب شوراییعالی معارف و تقسیم دوره دوم به ۲ رشته ادبی و علمی در ۱۳۱۰(استقرار نظام ۳–۲–۶)، تقسیم دوره دوم متوسطه به رشته ادبی، ریاضی، طبیعی، خانه‌داری، کشاورزی و فنی بر پایه مصوبه شوراییعالی فرهنگ در ۱۳۳۴، افزودن ۲ رشته فنی و حرفه‌ای و هنرستان به دوره دوم متوسطه



از مکتب ۱۰۰۰ساله تا مدرسه ۱۰۰ساله

تحول بنیادین

برای نجات دانش آموز

- هادی قائم‌مقامی

در ۱۳۳۷، تغییر نظام آموزشی کشور به سیستم ۴–۳–۵ (ابتدایی ۵ سال، راهنمایی ۳ سال و متوسطه ۴ سال و ایجاد دوره راهنمایی) در ۱۳۴۵، تغییر طرح نظام آموزشی و دوره آموزش متوسطه به ۳ سال و تعیین سال چهارم دبیرستان به‌عنوان دوره یک‌ساله آموزش تکمیلی به منظور آمادگی برای تحصیلات دانشگاهی در ۱۳۵۰،

تقسیم آموزش متوسطه به ۳ شاخه آموزش متوسطه ۴ ساله نظری، جامع و فنی و حرفه‌ای در ۱۳۵۳، تقسیم آموزش متوسطه به ۲ شاخه متوسطه عمومی با ۲ زیرشاخه و متوسطه فنی با مدت تحصیل ۳ سال در ۱۳۵۴ و نهایتاً بازگشت به دوره ۴ ساله آموزش متوسطه و حذف یک سال آمادگی تحصیلات دانشگاهی در ۱۳۵۵.

پس از انقلاب عمده‌ترین تغییرات در سال ۶۷ اتفاق افتاد. دلایل متعددی در آن دوران باعث شد نظام آموزشی تغییر کند و دوره پیش‌دانشگاهی ایجاد شود؛ طی دهه ۷۰ تعداد دانش‌آموزان متوسطه از حدود ۲ میلیون نفر به ۵ میلیون نفر و شمار دانش‌موختگان متوسطه از سالانه حدود ۲۸۰ هزار نفر به ۷۰۰ هزار دانش‌آموخته دیپلمه افزایش یافت. در این میان بیش از ۸۰ درصد دانش‌موختگان دیپلمه از ورود به دانشگاه بازمی‌ماندند و بناچار به بازار روی می‌آوردند بدون اینکه مهارت لازم را کسب کرده باشند. در آن سال‌ها تنها ۸/۴ درصد دانش‌آموزان متوسطه جذب رشته‌های فنی و حرفه‌ای می‌شدند و همه این عوامل باعث شد دوره پیش‌دانشگاهی ایجاد شود و افراد علاقه‌مند به ورود به دانشگاه از دیگر دانش‌آموزان جدا شوند. همچنین برنامه‌های آموزشی رشته‌های نظری نیاز دانشگاه‌ها را برطرف نمی‌کرد و دانش‌آموزان قبل از ورود به دانشگاه باید دروسی را به‌عنوان پیش‌نیاز می‌گذراندند.

در یکی از آخرین تغییرات در فرم نظام آموزشی کشور در آذر ۱۳۹۰ با تصویب سند تحول بنیادین، دوره آموزش‌وپرورش به ۲ دوره ۶ ساله ابتدایی و ۶ ساله متوسطه تغییر پیدا کرد. در این سند دوره ابتدایی به ۲ دوره ۳ ساله اول و ۳ ساله دوم و دوره متوسطه نیز به ۲ دوره ۳ ساله اول متوسطه و ۳ ساله دوم تقسیم شد.

فارغ از فرم و قالب سیستم تعلیم و تربیت کشور، این روزهاغدغه‌های جدی‌تری دربار محتوای نظام آموزشی مطرح می‌شود. تعدادی از اساتید علوم تربیتی و اساتید جامعه‌شناسی که با آنچه در فضای عمومی کشور می‌گذرد آشنایی دارند، معتقدند محتوای آموزشی مدارس نیازمند تغییرات جدی است؛ تغییراتی که متناسب با نیازهای روز دانش‌آموزان باشد. برخی معتقدند سیستم آموزشی کشور اصلاً باید یک مبنای ایدئولوژیک داشته باشد، برخی دیگر منکر این امر می‌شوند و می‌گویند فضای ایدئولوژیک زمینه پیش‌داوری را توسعه می‌دهد. گروهی از اساتید به نقش ادبیات در نظام آموزشی تاکید می‌کنند و برخی دیگر از اینکه نهاد آموزش و نهاد فرهنگ به دو حوزه جدا از هم و تفکیک‌شده تبدیل شده است، اعتراض دارند. نظام آموزش کشور با اینکه در خلال این سال‌ها تلاش کرده با ایجاد تغییرات زمینه‌های بهتری برای آموزش و تربیت فراگیران فراهم کند اما خروجی‌های این نظام هنوز با نقطه ایده‌آل فاصله دارد.

هر چند آموزش‌وپرورش می‌گوید فراگیران کمتر از ۲ ساعت در اختیار مدارس هستند و خانواده‌ها نقش موثرتری در تربیت فرزندان خود دارند اما این دیدگاه هرگز نمی‌تواند وظیفه تربیت دانش‌آموزان را از دوش این دستگاه بردارد. محتوای فعلی، خروجی‌های ایده‌آلی نداشته است. نباید اذهان را نگران امر موهومی کرد اما آنچه جامعه‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند، دانشگاه‌هایی است که فراگیران کسل و دانش‌آموزان بی‌ابتکاری می‌شود؟

شناخت جنبه‌های مختلف نظام آموزشی فعلی، بستر مناسبی برای پاسخ به پرسش چرایی و چگونگی تحول در سیستم تعلیم و تربیت خواهد بود. جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، معرفی نظام‌های آموزشی مطرح در دنیا و اصلاحات و تمیم‌بدنه آموزشی، ساختار معلم‌گزینی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی و ارتباط آن با فرم و محتوای آموزشی، تغییرات در محتوای آموزشی، اقتصاد و تعلیم و تربیت، فرهنگ آموزش و دین‌مدار بودن نظام تعلیم و موارد متعدد دیگر که در قالب میزگرد، مصاحبه، گفتار و یادداشت‌ها به آنها پرداخته خواهد شد، تلاشی است که «وطن امروز» برای بازیابی نظام آموزش صحیح در پی خواهد گرفت.

دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴

تقویم تاریخ

وفات همسر گرامی رسول خدا

«**حضرت خدیجه» به روایتی**

(۳ سال قبل از هجرت)

حضرت خدیجه(س) پس از ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر اکرم(ص) در سن ۶۵ سالگی، وفات یافت و در منطقه خجون مکه دفن شد. وی در سن ۴۰ سالگی با رسول خدا(ص) ازدواج کرد و ثمره ازدواج آنها، ۲ پسر و ۴ دختر به نام‌های قاسم، عبدالله، زینب، رقیه، ام‌کلثوم و حضرت فاطمه زهرا(س) بود. آن حضرت نخستین زنی بود که به دین اسلام گروید و تمام اموال خود را در راه ترویج اسلام در اختیار پیامبر اکرم(ص) گذاشت. یکی از روزهایی که در آن احتمال رحلت آن حضرت نقل شده، ۲۹ رجب است.

■ ■ ■

روز بزرگداشت

«**حکیم خیام نیشابوری**»

۲۸ اردیبهشت در تقویم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان روز بزرگداشت دانشمند شهیر ایرانی، حکیم عمر خیام نیشابوری نامگذاری شده است. ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری، فیلسوف، ریاضیدان، منجم، پزشک، شاعر و نویسنده بزرگ ایران، در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری زندگی می‌کرده است. خیام از شخصیت‌های تاریخی است که در باب او داستان‌های مجعول بسیاری ساخته‌اند و همین افسانه‌سازی سبب شده است در باب احوال و اقوال او اتفاق نظری بین پژوهندگان وی نباشد. شهرت خیام در دوران زندگی او بیشتر در حکمت، طب، نجوم و ریاضیات بود، لیکن امروز او را در جهان بیشتر به سبب ریاضیات فلسفی لطیفش می‌شناسند. این رباعی‌ها بسیار ساده و دور از تصنع و تکلف‌اند و با این حال مقرون به کمال فصاحت و بلاغت و شامع معانی عالی در الفاظ موجز و استوار است. خیام در ریاضیات چند مشهورتر است. همچنین او مأمور اصلاح تقویم ایرانی شد و نیز رصدخانه‌ای را تأسیس کرد. وفات خیام را در حدود سال ۵۱۵ الی ۵۲۵ گفته‌اند. آرامگاه حکیم خیام نیشابوری در نیشابور در جوار امامزاده محمد محروق نیشابور، معیادگاه ادب دوستان و علاقه‌مندان زبان و ادبیات پارسی است.

■ ■ ■

آغاز عملیات استعماری ارتش فرانسه

برای اشغال الجزایر (۱۸۳۰م)

کشورهای استعماری طی سده‌های گذشته سعی داشتند به هر طریقی با تصرف نواحی گوناگون جهان، حضور خود را بر سر این نقاط تضمین کنند و به مستعمرات خود بیفزایند. در این میان، فرانسه از پیشگامان استعمار در قاره اروپا بود که به دنبال بهانه‌های بود تا به کشور الجزایر در شمال قاره آفریقا پورش برد. در نهایت در ۱۸ مه ۱۸۳۰ پادشاه مستبد فرانسه به بهانه آنکه فرمانروای الجزایر، ۳ سال پیش از آن، برای وصول ۷ میلیون فرانک طلب این کشور از فرانسه، پاریس را تهدید کرده بود، دستور حمله به الجزایر را صادر کرد. اما بر خلاف تصور دولتمردان فرانسه، مردم الجزایر در مقابل حمله به کشورشان بشدت مقاومت کردند و حتی پس از اشغال این کشور توسط سربازان فرانسوی، امیر عبدالقادر الجزایری، سال‌ها با آنها مبارزه کرد. با این وصف، به دلیل برتری تجهیزات فرانسویان، آنان پس از کشتار مردم و سرکوب مقاومت آزادخواهان الجزایر، بر این کشور مسلط شدند. اگر چه استعمارگران فرانسوی پس از تسلط بر الجزایر، به غارت منابع این کشور پرداختند اما سرانجام مبارزات مردم منجر به استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲م شد.

■ ■ ■

تولد «برتrand راسل» فیلسوف و

نویسنده معروف انگلیسی (۱۸۷۲م)



برتrand رتور و ویلیام راسل، نویسنده معروف و فیلسوف معاصر انگلیسی در ۱۸ مه ۱۸۷۲م در انگلستان به دنیا آمد. وی در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه کمبریج شد و با درجه ممتاز در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد. وی پس از گرایش به منطق، کتاب اصول ریاضیات را در سال ۱۹۰۳م به نگارش درآورد و در آن ثابت کرد که ریاضیات قسمتی از علم منطق است. در این کتاب که توجه تمام متفکران معاصر را به خود جلب کرد، راسل مکتب تازه‌ای را در منطق ریاضی به وجود آورد. وی طرفدار آزادی مطلق و نامحدود روابط انسانی و اجتماعی بود و علناً با دین و مذهب مخالفت می‌کرد. راسل آثار متعددی به رشته تحریر درآورد که امیدهای نو، اخلاق، معماهای فلسفه، تصوف و منطق و رؤوس فلسفه از آن جمله‌اند. برتراند راسل سرانجام در دوم فوریه ۱۹۷۰م در ۹۸ سالگی درگذشت.